

یادداشت

صنعت توزیع فراورده‌های نفتی در خدمت محیط زیست



محمد ابراهیمی
کارشناس نفت

● اهمیت مقوله محیط زیست باعث شده اغلب کشورها نسبت به روند تخریب آن حساس شده و خواهان ایجاد اجماع و همراهی جهانی در مقابله با روند پرشتاب آلودگی محیط زیست شوند. ضرورت اقدام برای کاهش سرعت تولید و انتشار گازهای مضر در سازمان‌های فعال در حوزه سوخت‌های فسیلی، وزارت نفت را بر آن داشت تا مخاطرات ناشی از انتقال و عرضه محصولات و فراورده‌های نفت و گاز را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی کشور بررسی و طرح‌های مهمی به‌منظور کاهش این آلودگی‌ها اجرا کند. در همین راستا «طرح ملی کهاب» با هدف کنترل و مهار این مخاطره، در سال‌های گذشته در سطح وزارت نفت و با ابعاد گسترده بازرگاری، انتقال به جایگاه‌های توزیع، تخلیه و سوخت‌گیری نقش بسزایی در دستیابی به اهداف داشته است. با توجه به برآوردهای انجام‌شده، در صورت عدم اجرای طرح کواب، روزانه بیش از ۳۰۰ هزار لیتر بنزین در مبادی تولید تا انتقال و مصرف تبخیر می‌شود که علاوه بر خسارات‌های اقتصادی ناشی از این میزان اتلاف، باید تبعات زیست‌محیطی انتشار گازها و آلایندہ‌های حاصل و اثرات سوء آن بر سلامت شهروندان و شاخص‌های محیط زیست را نیز افزود. بنزین موتور ترکیبی از هیدروکربن‌های نفتی با نقاط جوش متفاوت است و عناصر سبک‌تری مانند بوتان و پنتان موجود در آن، در شرایط محیطی به‌صورت گاز هستند. ترکیبات آلی قار بنزین شامل حدود ۹۰ درصد آلکان‌ها به‌همراه دو در صد آروماتیک‌ها و کمتر از یک درصد بنزن و همچنین هفت درصد سایر مواد آلی بوده که از نامطلوب زیست‌محیطی آن در همه مطالعات علمی گزارش شده است. بخارات هیدروکربنی بر اثر ترکیب با اکسیدهای نیتروژن تشکیل ازن می‌دهد که موجب ابتلا به بیماری‌های تنفسی، روماتیسم، آسم و برخی بیماری‌های دیگر می‌شود. به‌ویژه آنکه وجود بنزن در این بخارات سرطان‌زایی قطعی دارد. به علت وجود ترکیبات آلی دیگر، تنفس بخار غلیظ آن سمی بوده و سبب سردرد، سرگیجه و تهوع می‌شود و بر همین اساس هنگام مواجهه با این باید از لوازم حفاظتی سیستم تنفسی استفاده کرد. مواجهه با مقادیر کم و مستمر این بخارات نیز سبب آسیب تدریجی اندام‌ها به‌ویژه ریه، چشم، بینی، پوست و سرانجام سبب مرگ می‌شود. سایر اثرات مزمن قرارگیری در معرض بخارات هیدروکربنی هم شامل سرطان‌زایی، جهش ژنتیکی، تولد نوزادان ناقص‌الخلق، تأثیر بر سیستم تنفسی و برخی دیگر از امراض است. با چنین درجه اهمیتی، وزارت نفت از طریق شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و با رعایت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی نسبت به تکمیل طرح ملی کهاب در همه مبادی مربوطه، اعم از «انبارهای نفت»، «جایگاه‌های عرضه سوخت بنزین» و «فتکش‌ها» اقدام کرده و بر اساس الزامات داخلی متعهد شده‌ تا پایان سال ۱۴۰۱ همه انبارهای نفت، جایگاه‌های عرضه بنزین و فتکش‌ها را به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز طرح تجهیز کند. بر اساس اعلام مقامات وزارت نفت، جابه‌جایی سوخت بنزین در سراسر کشور از ابتدای سال ۱۴۰۰ صرفا توسط فتکش‌های مجهز به طرح کهاب انجام خواهد شد. این طرح در حال حاضر بیش از ۹۷ درصد مجاری عرضه بنزین کشور (حدود سه‌هزارو ۷۰۰ جایگاه) را از طریق تجهیز به ادوات مورد نیاز برای کنترل بخار بنزین تحت پوشش قرار داده و اجرا و نصب سیستم بازیافت بخارات بنزین در حدود ۲۰۰ باب از جایگاه‌های کشور نیز به اتمام رسیده است. همچنین تجهیزات مرتبط با طرح روی حدود پنج هزار دستگاه تانکر حمل زمینی بنزین نصب شده است. به‌طورکلی مقابله و کنترل ترکیبات آلی قار با روش‌های متفاوتی مانند جذب سطحی، سوزاندن، تراکم، تیرید، غشا و جذب گاز انجام می‌شود. علاوه بر اینها، نصب سیستم بازیافت بخار بنزین در انبارهای نفت بیشتر کلان‌شهرهای کشور انجام شده که بر اثر آن، از ورود هزاران مترمکعب بخار بنزین به هوا جلوگیری و به همین نسبت بنزین مجده به چرخه مصرف سوخت کشور برگشت می‌شود. متدولوژی حذف و کنترل بخارات هیدروکربنی نیز بر اساس دما، ترکیب و شدت جریان جرمی جریان آلایندہ، محدودیت فضا و نصب مجاز تجهیزات و هزینه عملیاتی انتخاب می‌شود. چنان که ذکر شد، برنامه اصلی طرح ملی کهاب، سوبه‌های محیط زیستی دارد، اما نباید اقدام به تحدید مزایای این طرح در چارچوب مسائل و معضلات زیست‌محیطی و جلوگیری از مواجهه موجودات زنده با ترکیبات آلی قار کرد؛ چراکه محاسبه قیمت جهانی بنزین و هزینه‌های گزاف بهداشتی و درمانی جنبه مهم دیگری از فواید اجرای کامل این طرح را نمایش می‌دهد؛ طرحی که شامل منافع مالی و بی‌اندازه سودبخش اقتصادی مستر و غیرمستقیم است.

شرق: کسری بودجه بالاست؛ چون سرمایه‌گذاری، تولید و مالیات ضعیف است. در نتیجه از صندوق برداشت می‌شود و مشکل سرمایه‌گذاری و تولید و مالیات ضعیف پایدارتر می‌شود. در دوره زمانی بعد، اتکا به صندوق بیشتر می‌شود. شکست صندوق توسعه در اقتصاد ایران، نشانه مهمی از افتادن اقتصاد در تله تودرتوی نهادی است که به‌واسطه این اتفاقات بودجه نمود پیدا می‌کند. علی دینی‌ترکمانی، کارشناس اقتصاد و نویسنده کتاب «اقتصاد ایران: رکود تورمی و سقوط ارزش پول ملی»، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: سال آینده کسری بودجه احتمالاً در حد ۴۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود، مگر اینکه درآمدهای نفتی محقق شود که بسیار بعید است. درآمدهای مالیاتی نیز بدون بازسازی ساختار نظام مالیاتی و حذف معافیت‌ها و ممانعت از فرارها امکان تحقق ندارد؛ به همین صورت، فروش اوراق بدهی واگذارها، آنچه مسلم است این است که هزینه‌ها که تا حد ۹۰ درصد مصرفی با عملیاتی است، قطعا محقق می‌شوند. ولی درآمدها با فاصله زیاد محقق نمی‌شوند و کسری بالا اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

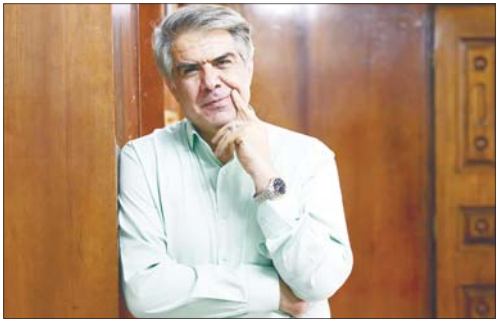
ک دولت پیش‌بینی کرده است در بخش درآمدها دومیلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت و فراورده بفروشد. رشد چشمگیر اتکای نفتی بودجه به عقیده بسیاری از تحلیلگران قابل تحقق نیست. از نظر شما لایحه بودجه از منظر تحقق درآمد‌های پیش‌بینی‌شده چقدر واقعی به نظر می‌رسد؟ اجازه دهید پیش از پاسخ به این پرسش، نکته‌ای را درباره بودجه عرض کنم. بودجه برنامه کوتاه‌مدت یک‌ساله است که باید سه اصل را رعایت کند؛ اول، توازن دخل و خرج یا تراز میان هزینه‌ها و درآمدها. دوم، تخصیص منابع به اولویت‌های مهم از منظر انباشت اجتماعی‌گرا، یعنی سرمایه‌گذاری‌هایی که بازدهی اجتماعی بالایی دارند و سوم، کاهش نابرابری چه میان گروه‌های اجتماعی و چه میان مناطق مختلف کشور.

این سه اصل مرتبط با هم هستند؛ یعنی نمی‌توان بدون انباشت اجتماعی‌گرایی قوی، انتظار توازن میان دخل و خرج دولت آن‌هم بدون اتکا به درآمدهای نفتی را داشت. چنین چیزی محال است. چرا؟ چون درآمدهای مالیاتی دولت با تولید ارتباطی مستقیم و قوی دارد. هرچه پایه تولید قوی باشد، پایه مالیاتی قوی خواهد بود. پایه پولی قوی نیز ریشه در انباشت سرمایه قوی دارد. اگر انباشت ضعیف باشد، تولید، ضعیف شده و اتکا به درآمدهای نفتی پایدار می‌شود. درعین‌حال بخشی از تغییرات رشد تولید را بازتوزیع عادلانه تولید یا رشد توضیح می‌دهد. هرچه بازتوزیع قوی باشد، هم انگیزش‌های اجتماعی قوی خواهد بود و هم بهره‌وری بیشتر خواهد شد. با این توضیحات، بودجه به دور از هر سه اصل بوده و مادامی که تغییر مهمی رخ ندهد، در چارچوب اصل «وابستگی به مسیر گذشته» استمرار خواهد یافت، با کژکارکردی‌های اساسی خود، تغییر اساسی نیز مرتبط با ساخت قدرت است؛ جایی که بر اثر الگوی حامی‌پروی دولت و قدرت، چانه‌زنی نیروهای اجتماعی و دستگاه‌های مختلف، هم نوع توزیع منابع مشخص می‌شود و هم نوع مشارکت این نیروها در تأمین هزینه‌ها. اگر منابع به اولویت‌هایی تخصیص پیدا می‌کند که بازدهی اجتماعی مورد نظر

اقتصاد

علی دینی ترکمانی: برداشت مرسوم از صندوق، شکست صندوق است

تله تودرتوی بودجه



را ندارند و اگر فرار مالیاتی بالاست و نظام مالیاتی تصاعدی در کار نیست، ناشی از این موارد است.

برگردم به پرسش شما. درآمدهای سال آینده تا چه حد امکان تحقق دارند؟ بر مبنای روند گذشته یا تجربه زیست‌شده چیزی که بدون رجوع به آمار و ارقام و برآوردهای کارشناسی می‌دانیم، این است که روند کسری بودجه فراینده است. وقتی درآمدهای نفتی افت شدید دارند، این کسری بیشتر می‌شود. در سال جاری حداقل ۲۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که کسری باشد. سال آینده احتمالاً در حد ۴۰۰ هزار میلیارد تومان (حدود ۵۰ درصد بودجه پیشنهادهی ۸۴۰ هزار میلیارد تومانی) خواهد بود، مگر اینکه درآمدهای نفتی محقق شود که بسیار بعید است. درآمدهای مالیاتی نیز بدون بازسازی ساختاری نظام مالیاتی و حذف معافیت‌ها و ممانعت از فرارها امکان تحقق ندارد؛ به همین صورت، فروش اوراق بدهی و واگذاری‌ها، قدر مسلم این است که هزینه‌ها که تا حد ۹۰ درصد مصرفی با عملیاتی است، قطعا محقق می‌شوند، ولی درآمدها با فاصله زیاد محقق نمی‌شوند و کسری بالا اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

ک صرف‌نظر از اینکه این میزان درآمد نفتی تا چه اندازه قابل تحقق است، فروش اوراق سلف نفتی چه تبعاتی می‌تواند در اقتصاد داشته باشد؟

قطعا با آمدن بایدن روند مناسبات ایران با آمریکا و اروپا نسبت به دوره ریاست‌جمهوری ترامپ تغییراتی خواهد داشت، ولی مانند دوره اوباما و شکل‌گیری برجام نخواهد بود؛ یعنی امکان بازگشت برجامی دیگر، به‌سرعت، به‌نحوی‌که اجازه افزایش قابل توجه صادرات نفت را بدهد، چندان در افق دیده نمی‌شود. شرط و شروط‌های جدید مانع خواهد شد. دور جدیدی از تنش‌ها میان ایران و اروپا به وجود آمده است. روابط دیپلماتیک کشورهای عربی با اسرائیل رو به تقویت است. اینها، بر بازگشت به برجام تأثیرات جدی دارند؛ بنابراین نباید دراین‌باره خوش‌بین بود. در سویی دیگر، فروش اوراق نفتی در بازار بورس که نوعی اوراق بدهی متکی به دارایی نفت است، از سویی تحت تأثیر چشم‌انداز صادرات نفت و از سوی دیگر تحت تأثیر میزان عرضه اوراق بدهی است. هرچه چشم‌انداز مثبت باشد، جاذبه خرید اوراق نفتی بیشتر خواهد بود؛ اما به دلیلی که توضیح دادم، به‌خاطر موانعی که

عراق بیش از ۵ میلیون یورو به ایران از محل صادرات نفت و گاز بدهکار است

محتوای اعلام‌نشده سفر اردکانیان

او اضافه می‌کند: به خاطر نبود گاز شش‌هزارو ۵۵۰

مگاوات از ظرفیت تولید برق این کشور از دست رفته است. بر اساس گزارش روتیتز، کاهش صادرات گاز ایران به عراق می‌تواند فشار بیشتری به دولت مصطفی الکاظمی به عنوان نخست‌وزیر این کشور وارد کند.

وصول ۴۰۰ میلیون یورو از مطالبات

سیدحمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره حجم مطالبات ایران از عراق بیان می‌کند: همتی، رئیس کل بانک مرکزی، اعلام کرده است بیش از پنج میلیارد یورو مطالبات داریم که عمدتا مربوط به صادرات گاز و برق است. چون این معاملات مرتب در حال انجام است و کم و زیاد می‌شود، رقم دقیق را نمی‌توان گفت. او ادامه می‌دهد: عراق در سفر قبل اردکانیان، مسئول کمیسیون اقتصادی مشترک بین دو کشور، حدود ۴۰۰ میلیون دلار از مطالباتش را پرداخت کرد. این مطالبات عمدتا به پروژه‌های شرکت مینا پرداخت شد. در حال حاضر هم شروع به خرید موادغذایی از عراق صادر می‌کرد، اما حالا به خاطر عدم پرداخت پول گاز خریداری شده از سوی عراق، این میزان به یک‌دهم کاهش یافته است. ایران همچنین رسما به مقامات عراقی اعلام کرده که قصد دارد پنج میلیون مترمکعب روزانه کنونی را به سه میلیون مترمکعب کاهش دهد.

به مناسبت فرارسیدن روز صنعت پتروشیمی انجام شد

دیدار مدیران عامل بانک تجارت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی



در قالب تأمین مالی و حمایت از پروژه‌های مختلف، همکاری نزدیک، تخصصی و اثربخشی

پیش خواهد آمد، این چشم‌انداز در حد بالا مثبت خواهد بود؛ اما مهم‌تر از این، حجم اوراق بدهی است که عرضه خواهد شد. اوراق نفتی و اوراق بدهی در اصل جایگزین‌های خیلی خوبی برای یکدیگر هستند؛ بنابراین فروش یکی در حد میزان هدف‌گذاری‌شده می‌تواند بر فروش دیگری تأثیر منفی نگذارد؛ یعنی اوراق نفتی را باید با اوراق بدهی در مجموع دید. آنچه هدف‌گذاری شده، قطع به یقین، امکان تحقق ندارد؛ ۲۲۰ هزار میلیارد تومان برای نفت و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان برای اوراق بدهی. در سال جاری تاکنون حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان اوراق فروش رفته که ظرفیت جذب تقریبی آن در سال آینده را نشان می‌دهد.

ک مرکز پژوهش‌های مجلس لایحه بودجه ۱۴۰۰ را تورم‌زا می‌داند. از چه محل‌هایی بودجه به تورم اثر می‌گذارد؟

کسری بودجه باید از محل استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی رفع شود؛ این یعنی افزایش نقدینگی. این تبیین جا افتاده در اقتصاد ایران است، البته باید تکمیل شود. در اصل آنچه موجب تشدید فشارهای تورمی می‌شود، هم رشد بیش از اندازه نقدینگی و هم ناتوانی در تبدیل آن به ظرفیت‌های تولیدی مولد است که مرتبط با بحث انباشت اجتماعی‌گراست. وقتی تمام منابع درآمدی، چه از محل‌های مالیاتی و نفتی و واگذاری و فروش اوراق و چه از محل استقراض از بانک مرکزی، صرف هزینه‌های مصرفی می‌شود، طرف عرضه اقتصاد ناتوانی بازتولید خود را از دست می‌دهد. در این موقعیت، ناتوانی‌های ساختاری میان عرضه و تقاضای کل بیشتر و در نتیجه تورم بازتولید می‌شود. از نگاه بلندمدت تاریخی، همان‌طور که در کتاب «اقتصاد ایران: رکود تورمی و سقوط ارزش پول ملی» سعی کرده‌ام به تفصیل نشان دهم، تورم در اقتصاد ایران به‌صورت پدیده‌ای ساختاری درآمد که ریشه اصلی آن عبارت است از ساخت تودرتو با مراکز قدرت متعدد و بیش از اندازه، هزینه‌های مصرفی بالا همراه با ناکارآمدی بالا در هزینه‌های انباشتی، رشد ضعیف و بدون کیفیت طرف عرضه اقتصاد در مقایسه با رشد طرف تقاضا.

ک حساب ویژه دولت روی منابع صندوق توسعه ملی یکی از نقدهای اصلی تحلیلگران به بودجه ۱۴۰۰ است. این برداشت‌ها حتی با

درنظرگرفتن شرایط خاص کشور آیا اقدام درستی است؟

خود این برداشت مصداقی از توضیحات بالاست، صندوقی که تأسیس شده برای تأمین منابع مالی انباشت در پروژه‌های کلیدی، از محتوای خود خارج می‌شود و در خدمت تأمین هزینه‌های مصرفی قرار می‌گیرد؛ دور باطل. کسری بودجه بالاست، چون سرمایه‌گذاری و تولید و مالیات ضعیف است. در نتیجه از صندوق برداشت می‌شود و مشکل سرمایه‌گذاری و تولید و مالیات ضعیف پایدارتر می‌شود. در دوره زمانی بعد، اتکا به صندوق برای پوشش هزینه‌های جاری بیشتری می‌شود. شکست صندوق و از محتوا خالی‌شدن آن یعنی تداوم در اتکا به درآمدهای نفتی و ناتوانی در رهایی از آن از طریق تنوع‌سازی تولید و صادرات. این شکست در اقتصاد ایران، نشانه مهمی از افتادن اقتصاد در تله تودرتویی نهادی و ناتوانی آن در رعایت سه اصل یادشده است.

آشتیانی خاطرنشان کرد: در واقع روی تجهیزات استخراج رمزارزها یا ماینر هزینه‌هایی انجام شده بود. این حجم از سرمایه‌های ملی وارد این حوزه شده بود و ما در حال فرصت‌سوزی بودیم. متأسفانه این دستگاه‌ها توقیف شده و از مدار تولید کشور خارج شده بود. روح پشت مصوبه هیئت وزیران در ۱۵ تیر ۹۹ این بود که این دستگاه‌ها به جریان تولید وارد نشود ولی به صورت قانونی، بنابراین فرصتی را فراهم کردند که افراد دارنده این دستگاه‌ها بتوانند خوداظهاری کنند و جلوی پرونده‌های قضائی گرفته شود و آن دسته از افراد هم که پرونده قضائی ندارند، بتوانند قانونی کار کنند.

رئیس کمیسیون بلاچین و رمزارز نصر متذکر شد: این مصوبه در ۱۵ تیر ابلاغ شد ولی پنجشنبه یعنی چهارم دی‌ماه ۹۹ بالاخره این سامانه عملیاتی شد. علت این تأخیر هم این بود که ارزش‌گذاری این دستگاه‌ها زمان برده- همچنین اعلام شماره‌حساب خزانه برای پرداخت عوارض گمرکی ایجاد درگاه پرداخت از سمت بانک مرکزی و نهانیت تدوین دستورالعمل این خوداظهاری از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز زمان برد و بالاخره بعد از چند ماه سامانه به صورت عملیاتی راه‌اندازی شد.

او اضافه کرد: از چهارم دی تا چهارم بهمن‌ماه یعنی به مدت یک ماه افراد فرصت دارند (چه افرادی که پرونده قضائی دارند و چه افرادی که پرونده قضائی ندارند) دستگاه‌های خود را در آن سامانه ثبت کرده، میزان عوارض و حقوق گمرکی خود را پرداخت کنند تا دستگاه‌های آنها اجازه ورود به صنعت و تولید کشور را داشته باشند. لازم به ذکر است دستگاه‌هایی که این ثبت را انجام نداده‌اند و از مبادی قانونی وارد نشده‌اند، قاچاق محسوب می‌شوند. افرادی که دستگاه‌ها را خوداظهاری و ثبت می‌کنند پس از آن یک ماه فرصت خواهند داشت با جواز وزارت صنعت، معدن و تجارت برای بهره‌برداری از دستگاه‌ها اقدام کنند. تاکنون نیز حدود ۸۵۰ جواز در این زمینه صادر شده است.

او بیان کرد: گاهی سوءبرداشت‌هایی می‌شود که سامانه از چه زمانی عملیاتی شده است. این سامانه بخش‌های مختلفی دارد. یک بخش ثبت‌نام است که از مراد امکان ثبت‌نام وجود داشت اما امکان پرداخت وجود نداشت. در واقع سامانه غیرعملیاتی بود و ملاک شروع مصوبه هیئت وزیران تاریخ عملیاتی‌شدن مصوبه است که چهارم دی‌ماه

خبر

فرصت یک‌ماهه به دارندگان دستگاه استخراج رمزارز برای ثبت در سامانه

پرونده قضائی ماینرها بسته می‌شود

● **شرق:** عباس آشتیانی، رئیس کمیسیون بلاچین و رمزارز نصر گفت: ۱۵ تیر سال جاری هیئت وزیران مصوبه‌ای را به تصویب رساند که بر اساس آن مالکان دستگاه‌های استخراج بیت‌کوین و رمزارزها می‌توانند دستگاه‌هایشان را در سامانه‌ای متعلق به وزارت صنعت، معدن و تجارت اظهار کنند و پس از پرداخت عوارض و حقوق گمرکی اجازه بهره‌برداری از آن را خواهند داشت و پرونده قضائی دارندگان ماینر بسته خواهد شد.

او خاطرنشان کرد: در واقع دارندگان دستگاه‌ها یک ماه فرصت خوداظهاری دارند. پس از آن نیز یک ماه فرصت خواهند داشت در مراکز دارای جواز استفاده قانونی انجام دهند.

آشتیانی درخصوص چرایی تصویب‌شدن این مصوبه خاطرنشان کرد: از پاییز ۱۳۹۷ دبیر شورای عالی فضای مجازی در صداوسیما اعلام کردند که دولت موضوع استخراج رمزارزها را به عنوان یک صنعت شناخته است. بعد از آن حجم زیادی از علاقه‌مندان، فعالان و صنعتگران این حوزه برای خرید دستگاه‌ها اقدام کردند اما به علت لختی و کندی سیستم رگولاتوری کشور، حد تکفیک تعرفه در گمرکات کشور برای این دستگاه‌ها با سرعت تأیید نشد. ماهیت تکنولوژی هم با زمان‌بربودن قانون‌گذاری در تضاد است؛ بنابراین بسیاری از دستگاه‌ها از مبادی مرتبط و مستقیم با کد تعرفه رمزارز وارد کشور نشده بودند.

او اضافه کرد: از سال ۱۳۹۷ که این موضوع اعلام شد تا سال ۱۳۹۸ که برخورد‌های قضائی با صاحبان این دستگاه‌ها شروع شد، افراد با دو تناقض بزرگ روبه‌رو شدند؛ این که اینکه اگر این یک صنعت است چرا وزارت نیرو جریمه‌های سنگین برای آنها در نظر گرفته و مصوبه هیئت وزیران ۱۳۹۸ برق این دستگاه‌ها را صنعتی اعلام نکرده است و معضل بزرگ‌تر از آن این بود که خود این دستگاه‌ها نیز به عنوان قاچاق معرفی شدند و به گفته ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیش از هزار پرونده مشتعل بر بیش از ۵۰۰ هزار دستگاه استخراج رمزارز در تعزیرات حکومتی ذیل ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشکیل شد.

آشتیانی توضیح داد: در واقع روی تجهیزات استخراج رمزارزها یا ماینر هزینه‌هایی انجام شده بود. این حجم از سرمایه‌های ملی وارد این حوزه شده بود و ما در حال فرصت‌سوزی بودیم. متأسفانه این دستگاه‌ها توقیف شده و از مدار تولید کشور خارج شده بود. روح پشت مصوبه هیئت وزیران در ۱۵ تیر ۹۹ این بود که این دستگاه‌ها به جریان تولید وارد نشود ولی به صورت قانونی، بنابراین فرصتی را فراهم کردند که افراد دارنده این دستگاه‌ها بتوانند خوداظهاری کنند و جلوی پرونده‌های قضائی گرفته شود و آن دسته از افراد هم که پرونده قضائی ندارند، بتوانند قانونی کار کنند.

رئیس کمیسیون بلاچین و رمزارز نصر متذکر شد: این مصوبه در ۱۵ تیر ابلاغ شد ولی پنجشنبه یعنی چهارم دی‌ماه ۹۹ بالاخره این سامانه عملیاتی شد. علت این تأخیر هم این بود که ارزش‌گذاری این دستگاه‌ها زمان برد- همچنین اعلام شماره‌حساب خزانه برای پرداخت عوارض گمرکی ایجاد درگاه پرداخت از سمت بانک مرکزی و نهانیت تدوین دستورالعمل این خوداظهاری از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز زمان برد و بالاخره بعد از چند ماه سامانه به صورت عملیاتی راه‌اندازی شد.

او اضافه کرد: از چهارم دی تا چهارم بهمن‌ماه یعنی به مدت یک ماه افراد فرصت دارند (چه افرادی که پرونده قضائی دارند و چه افرادی که پرونده قضائی ندارند) دستگاه‌های خود را در آن سامانه ثبت کرده، میزان عوارض و حقوق گمرکی خود را پرداخت کنند تا دستگاه‌های آنها اجازه ورود به صنعت و تولید کشور را داشته باشند. لازم به ذکر است دستگاه‌هایی که این ثبت را انجام نداده‌اند و از مبادی قانونی وارد نشده‌اند، قاچاق محسوب می‌شوند. افرادی که دستگاه‌ها را خوداظهاری و ثبت می‌کنند پس از آن یک ماه فرصت خواهند داشت با جواز وزارت صنعت، معدن و تجارت برای بهره‌برداری از دستگاه‌ها اقدام کنند. تاکنون نیز حدود ۸۵۰ جواز در این زمینه صادر شده است.

او بیان کرد: گاهی سوءبرداشت‌هایی می‌شود که سامانه از چه زمانی عملیاتی شده است. این سامانه بخش‌های مختلفی دارد. یک بخش ثبت‌نام است که از مراد امکان ثبت‌نام وجود داشت اما امکان پرداخت وجود نداشت. در واقع سامانه غیرعملیاتی بود و ملاک شروع مصوبه هیئت وزیران تاریخ عملیاتی‌شدن مصوبه است که چهارم دی‌ماه